

## معمای فاجعه بمبئی

عبدالله شهبازی



۱- چهارشنبه شب و صبح پنجشنبه به شدت گرفتار بودم و از اخبار دور. عصر روز پنجشنبه با تلفن یکی از دوستان از خواب بیدار شدم. از انفجار و ترور گسترده در بمبئی خبر می‌داد. از آن زمان تاکنون، تمام وقت، از طریق شبکه‌های خبری و اینترنت پیگیر این ماجراهای عجیب هستم.

مشروح ماجرا را می‌توان در سایت‌های خبری خواند. خلاصه این است:

حوالی ۹:۳۰ بعد از ظهر چهارشنبه ۲۶ نوامبر تعدادی افراد مسلح به تفنگ‌های اتوماتیک با قایق، به گفته پلیس و به گزارش CNN، در مقابل «دروازه هند»<sup>۱</sup> واقع در ساحل بمبئی و روبروی هتل تاج محل، پیاده می‌شوند. این افراد، درست مانند فیلم‌های هالیوود، به چند گروه تقسیم می‌شوند؛ با شلیک گلوله و کشتن مردم، چند ماشین، از جمله یک اتومبیل ون پلیس، را تصرف می‌کنند، به هتل تاج محل و هتل اوبروی ترایدنت و کافه لئوپولد، سه مکان محل سکونت و اجتماع توریست‌ها، ایستگاه قطار CST<sup>۲</sup> (ایستگاه ویکتوریا)، بیمارستان کاما<sup>۳</sup> و کنیسه فرقه کلیمی «شاباد» می‌روند؛ مردم را می‌کشند یا به گروگان می‌گیرند.<sup>۴</sup>

گزارش‌ها از حدود ۲۰۰ کشته و ۳۰۰ زخمی خبر می‌دهد که در حال افزایش است. سرشناس‌ترین مقتولین خاخام سابق فرقه «شاباد» بروکلین نیویورک و همسرش هستند. این ماجرا به‌ویژه در کلیمیان نیویورک، از هر فرقه، تأثیری بزرگ بر جای نهاده و خاخام گاوریل هالتزبرگ و همسرش، ریوگا، را به نماد قربانیان «تروریسم» بدل کرده است. صهیونیست‌ها و دولت اسرائیل نیز خود را «صاحب‌عزا» کرده و می‌خواهند خون خاخام هالتزبرگ و همسرش و سایر کلیمیان کشته شده در کنیسه «شاباد» بمبئی را به دستمایه تبلیغات به سود صهیونیسم بدل کنند.

۲- مهاجمان که بودند؟ این پرسشی است که روزنامه کریستین ساینس مانیتور در روز جمعه، ۲۸ نوامبر، به طرح آن پرداخته است.<sup>۵</sup>

1. Gateway of India

2. Chhatrapati Shivaji Terminus

3. Cama Albless Hospital

4. <http://edition.cnn.com/2008/WORLD/asiapcf/11/27/mumbai.investigation/index.html>

طبق گزارش‌های اولیه، مهاجمان توریست‌های خارجی را هدف گرفته بودند. پس از پایان ماجرا، معلوم شد خارجی‌ان کمتر از یک دهم کشته‌شدگان‌اند و بیش‌تر قربانیان فاجعه هندی‌ها بوده‌اند.

5. <http://www.csmonitor.com/2008/1128/p99s01-duts.html>

هنوز جنگ خیابانی جریان داشت، و ماجرا پایان نیافته بود، که مقامات دولتی هند، «عوامل خارجی» را متهم کردند؛ منظورشان دولت پاکستان بود. طبعاً، مقامات پاکستانی بلافاصله این اتهام را رد کردند. روزنامه هندو، که ظاهراً به جنگ مجدد میان هند و پاکستان علاقمند است، باز در زمان وقوع حادثه و بدون هیچ دلیل، اعلام کرد که تروریست‌ها اعضای گروه «لشکر طیبه» هستند که در پاکستان مستقر است.<sup>6</sup>

واشنگتن‌پست، به نقل از «کارشناسان ضد تروریست» آمریکایی، نوشت «مهاجمان در خارج آموزش دیده و حمایت شده‌اند». این «کارشناسان» نیز «علم غیب» داشتند و مهاجمان را «مسلمان» و عمل آن‌ها را «جهاد» عنوان کردند. روزنامه فوق، پرتیراژترین روزنامه ایالات متحده آمریکا که از سال ۱۹۳۳ به خاندان زرسالار یهودی مه‌یر- گراهام، اعقاب اوژن مه‌یر<sup>7</sup> (اولین رئیس بانک جهانی)، تعلق دارد، از قول بروس رایدل، کارشناس سابق سیا و شورای امنیت ملی و مؤلف کتابی درباره «القاعده»، افزود: «این گام بزرگ و هولناکی در جهاد جهانی است. هیچ گروه بومی هندی چنین توانمندی ندارد...» راجر کرسی، کارشناس ضد تروریست کاخ سفید در دولت‌های کلینتون و بوش، گفت: «این یک عملیات پیش پا افتاده نیست؛ این گروه از آموزش و حمایت متخصصان حرفه‌ای تروریسم برخوردار هستند».<sup>8</sup>

روزنامه نیویورک تایمز، دوّمین روزنامه پرتیراژ آمریکا که از ۱۹۳۵ به خاندان زرسالار یهودی شولزبرگر<sup>9</sup> تعلق دارد، کار را ساده‌تر کرد و بدون هیچ مدرک و دلیلی «اعضای اقلیت مسلمان هند» را عامل این فاجعه خواند.<sup>10</sup> روزنامه انگلیسی گاردین مهاجمان را «هندی» خواند و ظن خود را متوجه گروه ناشناخته‌ای به نام «مجاهدان دکن» و چند گروه دیگر کرد که «تصادفاً» همه مسلمان‌اند. علت، ارسال ایمیل‌هایی به مطبوعات با امضای این گروه بود!<sup>11</sup>

### ۳- حاصل پیگیری و کاوش دو روزه من چیست؟

ادعای «کارشناسان ضد تروریست» آمریکایی درست است. مهاجمان قطعاً بسیار آموزش دیده و حرفه‌ای بودند و قطعاً «دست خارجی» در کار است. ماجرا کاملاً و به دقت سازمان یافته بود. حتی اماکنی که مورد حمله قرار گرفتند نیز به دقت و با اهداف معین انتخاب شده بود. این انتخاب به دانش تاریخی و سیاسی تخصصی نیاز داشت.

۴- انتخاب «هتل تاج محل» به عنوان مرکز اصلی تهاجم تأمل برانگیز است. درست مانند فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و فروپاشی «برج‌های دوقلو» در نیویورک، تصویر بنای باشکوه و تاریخی هتل تاج محل، که در آتش می‌سوخست، دو روز کامل در برابر چشم میلیون‌ها بیننده در سراسر جهان بود. هر دو مکان نماد شهرهای فوق بودند: برج‌های دوقلو نماد نیویورک مرکز تجاری و مالی دنیای غرب، و هتل تاج محل نماد بمبئی که تا نیمه اول سده بیستم مرکز تجاری و مالی شرق بود.

این هتل در سال ۱۹۰۳، مصادف با سلطنت مظفرالدین شاه و اندکی پیش از آغاز انقلاب مشروطیت در ایران، گشوده شد. در آن زمان بزرگ‌ترین هتل شرق بود. اکنون نیز یکی از زیباترین اماکن تاریخی بمبئی و هند به‌شمار می‌رفت.<sup>12</sup> این هتل را دیده‌ام. به‌رغم زیبایی فرسوده بود. به بازسازی و مرمت نیاز داشت. اکنون، احتمالاً با بودجه دولت هند، این بازسازی انجام خواهد گرفت.

هتل تاج محل به خاندان تاتا تعلق دارد؛ خاندانی از پارسیان هند (زرتشتیان بومی هندی نژاد) که از زرسالاران درجه اول جهان به‌شمار می‌روند. این خاندان، مانند سایر زرسالاران پارسی هند، ثروت اولیه خود را از تجارت جهانی تریاک در سده نوزدهم به دست آوردند. جلد ششم کتاب زرسالاران من، که منتشر نشده، به معرفی «الیگارش پارسی هند» و شراکت تاریخ‌ساز آنان با زرسالاران یهودی و آمریکایی و انگلیسی اختصاص دارد. خاندان تاتا، مانند سایر زرسالاران پارسی، دارای پیوندهای عمیق ماسونی- صهیونی است و با زرسالاران یهودی از شراکت و همپیوندی دیرین برخوردار است. بخش مهمی از صنایع و تجارت هند به این الیگارش تعلق دارد.

6. <http://www.hindu.com/2008/11/28/stories/2008112862080100.htm>

7. [http://en.wikipedia.org/wiki/Eugene\\_Meyer](http://en.wikipedia.org/wiki/Eugene_Meyer)

8. <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2008/11/27/AR2008112702177.html>

9. <http://en.wikipedia.org/wiki/Sulzberger>

10. [http://www.nytimes.com/2008/11/28/world/asia/28group.html?\\_r=2&ref=asia](http://www.nytimes.com/2008/11/28/world/asia/28group.html?_r=2&ref=asia)

11. <http://www.guardian.co.uk/world/2008/nov/28/mumbai-terror-attacks-india-suspects>

۱۲. بنگرید به مقاله مندرج در روزنامه هندو:

<http://www.hindu.com/2008/11/29/stories/2008112955770900.htm>



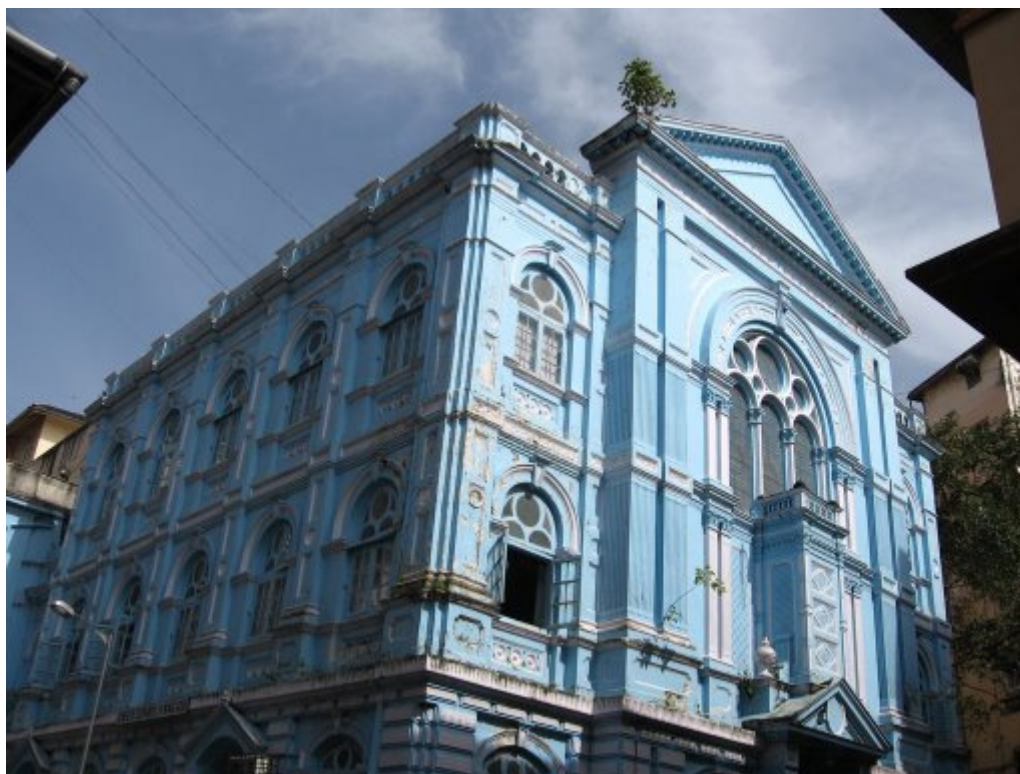
من در مقابل «دروازه هند» در بندر آپولو (۱۳۷۲)  
این بنا به مناسبت سفر جورج پنجم، پادشاه بریتانیا و امپراتور هند، به هندوستان طی سالهای ۱۹۱۱-۱۹۲۴ احداث شد.



من در مقابل هتل تاج محل بمبئی (۱۳۷۲)

۵- آیا حمله به کنیسه فرقه کلیمی «شاباد» در بمبئی، زمانی که خاخام سابق بروکلین نیویورک و همسر و فرزندانش در آنجا بودند، تصادفی است؟ آیا مهاجمان، اگر «ضد یهود» بودند، نباید کنیسه بزرگ یهودیان بمبئی، کنیسه الیاهو با ۱۵۰ سال قدمت، را اشغال کنند و سکنه آن را به گروگان گیرند؟ این کنیسه‌ای است که سیر یعقوب ساسون در سال ۱۸۸۴ ساخت و نام پدرش، الیاس (الیاهو) ساسون، را بر آن نهاد. الیاس ساسون دوّمین پسر دیوید ساسون و برادر سیر آلبرت عبدالله ساسون، زرسالار نامدار یهودی، است. درباره خاندان ساسون، پیوند آن با خاندان روچیلد و جایگاه آن در تکاپوهای استعماری در آثار خود سخن گفته‌ام؛ معهدا پژوهش مفصل من درباره این خاندان، و نقش بزرگ آنان در هند و ایران، در مجلدات بعدی *زرسالاران* منتشر خواهد شد.<sup>۱۳</sup>

مگر کنیسه مهم و تاریخی الیاهو، مهم‌ترین کنیسه یهودیان بمبئی، در نزدیکی بندر آپولو و هتل تاج محل (مجاور موزه پرنس ولز) واقع نیست؟ چرا باید ساختمان کوچک و گمنام فرقه کم‌شمار «شاباد» اشغال می‌شد که در مکانی دورتر از «مرکز عملیات» (هتل تاج محل و بندر آپولو) واقع بود و حتی یافتن آن دشوار؟ در تصاویر هوایی زیر محل هتل تاج محل، کنیسه الیاهو (کنیسه اصلی بمبئی) و «ساختمان نریمان» (محل کنیسه کوچک فرقه شاباد) نشان داده شده. این دو تصویر روشن می‌کند که یکی از اهداف اصلی عملیات اشغال «کنیسه فرقه شاباد» و قتل خاخام هالتزبرگ، از رهبران اصلی فرقه «شاباد»، و همسرش و سایر اعضای شاباد حاضر در کنیسه فوق بود نه کشتار تصادفی یهودیان.



ساختمان کنیسه قدیمی و اصلی بمبئی، کنیسه الیاهو (ساسون)، در نزدیکی هتل تاج محل و کافه لئوپولد که مورد حمله قرار نگرفت.

۱۳. برای آشنایی اجمالی با خاندان ساسون بنگرید به مقاله «ساسون‌ها، سپهسالار و تریاک ایران» (عبدالله شهبازی، *مطالعات سیاسی*، کتاب اول، ۱۳۷۰، صص ۱۲۵-۱۳۹) در وب‌گاه شهبازی:

<http://www.shahbazi.org/pages/Sassoon.htm>



تصویر دیگری از کنیسه الیاهو (ساسون)



صحن داخلی کنیسه الیاهو



ساختمان پرت و دورافتاده و گمنام کنیسه فرقه شایاد که مورد حمله قرار گرفت

The Babler - The Newsletter of Midrash BEN ISH HAI (Page 7)

### Other News



Mr. Solomon Sopher (left) joint managing trustee of the Sassoon synagogues, sent us the photograph above of three plaques which are prominently placed in the Kenesseth Eliyahoo synagogue in Bombay, India.

The magnificent synagogue was built by Sir Jacob Sassoon, in memory of his father Elias (Eliyahoo) Sassoon, who was the second son of David Sassoon, and brother of Sir Albert Abdallah Sassoon.

The three plaques from left to right are:

Left: a new plaque in memory of the late Chairman of the Sassoon Trusts, Mr. Moses Nissim Joseph Sultoon, 'a"n, who passed away in '96 after years of service to the community.

Center: a long existing plaque in memory of the late Rev. Silas Isaac Silas, 'a"n, who passed away in '45. He was the distinguished Hazan of this equally distinguished community for 40 years.

Right: a new plaque in memory of H"R Albert Abdallah Manasseh, 'a"n, Spiritual Leader, Chairman and Life President of the Sassoon Synagogues and Charity Trusts who passed away in '91.

H"R Albert (Abdallah) Manasseh was, appropriately, the great-grandson of Sir Albert Abdallah Sassoon, as well as the father of our Hakham Ya'aqob, hy"v. He was also a founder of and driving force behind Midrash BEN ISH HAI.

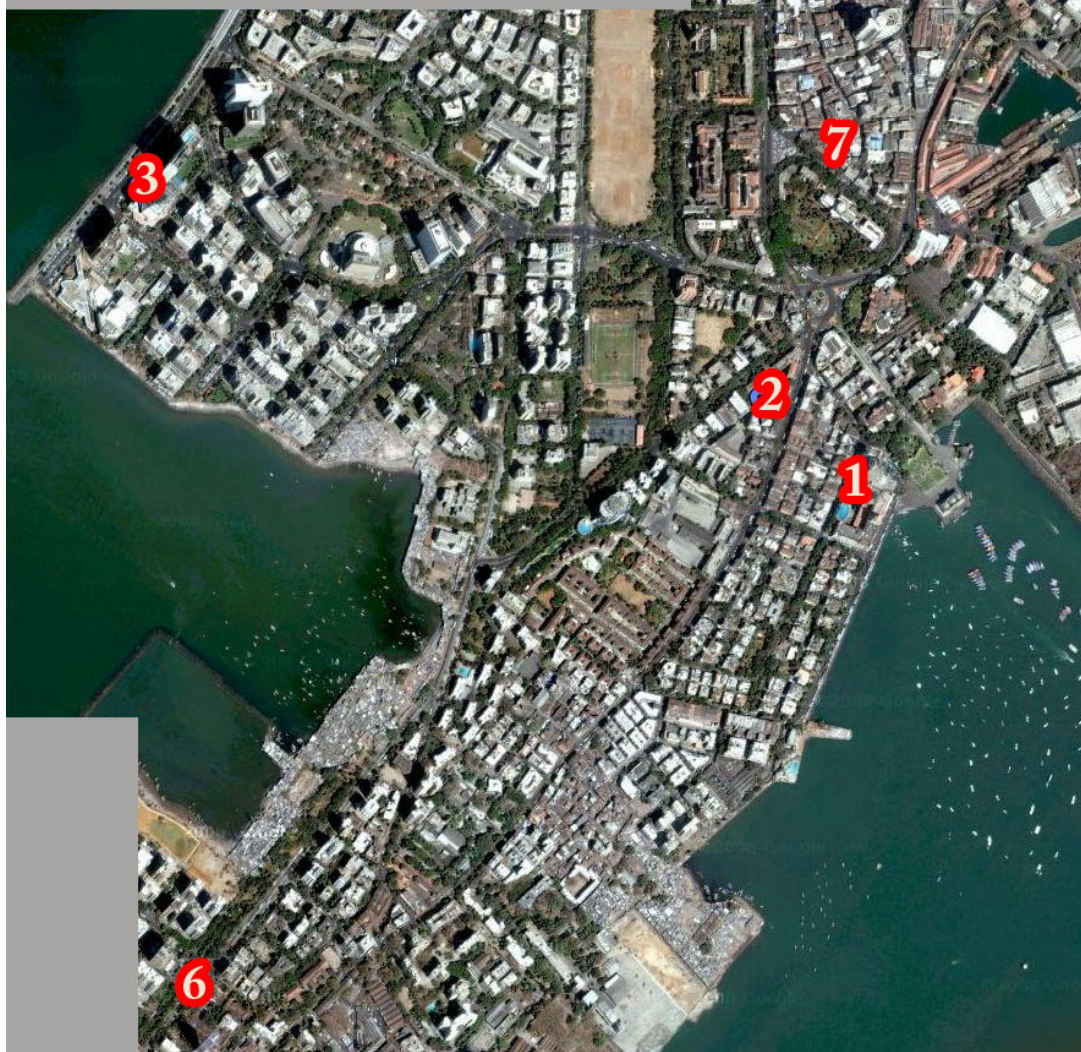


We receive many comments and compliments about the wonderful traditional dress of the Hakhamim that our Midrash Boys' Choir wear. We would like to take this opportunity to introduce to you and thank the creator and designer of the costumes, Mrs. Berta Nissan.

Congratulations to: Tzvi & Suzanne Shohet, Rahamim & Janet Olaie, Mr. & Mrs. Isaac Layliev, Mr. & Mrs. Nouriel Shahkoochi, Pinhas & Faranaz Goykadosh, Moshe & Shoshanah Meirov on the births of their sons: Baback & Roya Panahbarhagh, Sass and Diana Sheena, on the births of their daughters. Mr. & Mrs. Sohail Daniel, Mr. & Mrs. Rachmano on their marriages. Our heartfelt sympathies go out to the Yadgar and Rismani families on the loss of their mothers.

Go to page [1](#), [2,3](#), [4](#), [5,6](#), [7](#), [8](#), [Home](#)

- ۱- هتل تاج محل (مرکز اصلی عملیات تروریستی)
- ۲- کافه لئوپولد (مورد حمله قرار گرفت)
- ۳- هتل اوبری ترایدنت (مورد حمله قرار گرفت)
- ۴- ایستگاه بزرگ و تاریخی ویکتوریا (مورد حمله قرار گرفت)
- ۵- بیمارستان کاما (مورد حمله قرار گرفت)
- ۶- کنیسه کوچک و دورافتاده فرقه شاباد (مورد حمله قرار گرفت)
- ۷- کنیسه الياهو در نزدیکی هتل تاج محل و کافه لئوپولد و در مسیر حرکت از هتل تاج محل به ایستگاه ویکتوریا (کنیسه اصلی یهودیان بمبئی که توسط یهودیان هوادار صهیونیسم اداره می شود و مورد حمله قرار نگرفت)





در این عکس هوایی فاصله بسیار نزدیک هتل تاج محل با کنیسه اصلی بمبئی (کنیسه الياهو) آشکار است. به راستی چرا تروریست‌ها، اگر ضد صهیونیست بودند، کنیسه الياهو را، که در منطقه عملیات آن‌ها قرار داشت، اشغال نکردند و مسیری طولانی را برای اشغال ساختمان کوچک کنیسه فرقه شاداد پیمودند؟

آیا طراحان فاجعه بمبئی به دلیل علاقه شخصی یا دینی به کنیسه الياهو این مکان تاریخی را از نقشه عملیات خارج نکردند؟

- ۱- هتل تاج محل
- ۲- موزه پرنس ولز و موزه تاریخ طبیعی
- ۳- کنیسه الياهو (کنیسه اصلی و تاریخی بمبئی)



۶- مهاجمان «یهودیان صهیونیست» یا حتی «یهودیان معمولی» را به گروگان نگرفتند و خاخام سرشناس ایشان را به طرزی فجیع نکشتند. آنان اعضای برجسته فرقه «شاباد» را آماج قرار دادند.

«شاباد» فرقه‌ای است از کلیمیان حسیدیم. حسیدیم<sup>۱۴</sup> گرایشی ارتدکس و اصالت‌گرا در کلیمیان است که خود را مؤمن و متقی می‌دانند و به این دلیل این نام را برگزیده‌اند. «حسید» به معنی «متقی» است و «حسیدیم» به معنی «متقین». «شاباد» فرقه‌ای است ۲۵۰ ساله که در شهر لوباویچ، شهری کوچک در روسیه تزاری، پدید آمد و به این دلیل «شاباد لوباویچ»<sup>۱۵</sup> نام گرفت. امروزه، این فرقه به عنوان بزرگ‌ترین فرقه «یهودیت ارتدکس» شناخته می‌شود و حدود دویست هزار نفر پیرو دارد. نام این فرقه از ترکیب سه واژه عبری «حکمه»<sup>۱۶</sup> (حکمت)، «بینه»<sup>۱۷</sup> (درک، فهم)، «دعت»<sup>۱۸</sup> (دانش، معرفت) پدید آمده. در واقع، باید نام فوق را «حَبَد» تلفظ کرد. «فرقه شاباد» شامل کلیمیانی مؤمن و پرهیزکار است که نه تنها با «یهودیت سیاسی» میانه‌ای ندارند بلکه صهیونیسم مذهبی و سیاسی را نمی‌پذیرند. آنان دولت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسند.

یکی از سایت‌های صهیونیستی با درج نامه‌ای از پنجمین رهبر فرقه شاباد چنین درباره ایشان افشاگری می‌کند:

شاباد به شدت

ضد صهیونیست است حتی پس از تأسیس دولت اسرائیل. زمانی که یهودیان از اروپا می‌گریختند و به اسرائیل یا آمریکا می‌رفتند، خاخام‌های لوباویچ مخالف ترک اروپا بودند. ششمین خاخام لوباویچی، ضد صهیونیستی شدید به سبک خود، به پیروانش می‌گفت جنگی در کار نیست و اروپا برای ماندن امن است. او این سخنان را چهار ماه پیش از شروع جنگ جهانی دوم می‌گفت که با بمباران و حمله به لهستان آغاز شد... [بنگرید به متن نامه پنجمین رهبر شاباد که چنین آغاز می‌شود:] «در رابطه با سؤال شما درباره صهیونیستها و گروه آنها... حتی اگر صهیونیستها کلیمیان واقعی خداترس و

December 21, 2008

## → Chabad's Anti-Zionism: The Rebbe Rashab's Letter

Chabad was viciously anti-Zionist until after the founding of the State of Israel. When Jews could have fled Europe and gone to Israel or America, Lubavitch rebbes opposed leaving Europe. The 6th Lubavitcher Rebbe, a vicious anti-Zionist in his own right, told followers there would be no war and that it was safe to stay in Europe. He did this from Warsaw in the summer of 1939, less than four months before WW2 began with the bombing and invasion of Poland. He was rescued by the American government. What did he ask for as he was brought to safety from amidst the destruction and horror? To save more Jews? [No. The man asked for the rescue of his silver collection and his rare book collection](#) – Sherlock Holmes in Yiddish translation along side of "sefarim". Not a peep from the holy man's mouth about saving Jews.

Click on the continuation link to read his father's – the Rashab, the 5th Lubavitcher Rebbe' – infamous letter on anti-Zionism, written about 1900 and widely circulated:

[Here is the text of the Lubavitcher Rebbe Rashab's Letter:](#)

In answer to your questions concerning the Zionists and their group (which they propose to found) I will state, in short, the following:

1. Even if the Zionists were G-d fearing Torah true Jews, and even if we had reason to believe that their goal is feasible, we are nevertheless not permitted to join them in bringing our redemption with our own strength. We are not even permitted to force a premature redemption by showering the Almighty with insistent entreaties (As Rashi comments on the Gemara Kesuvos 111A discussing G-d's adjuring the Jewish people not to force the redemption), and certainly not by means of physical force and devices; We may not end our exile by main force: we will not thereby, achieve the spiritual redemption for which we are waiting. The Zionist notion contradicts our hope and yearning that G-d himself will not

14. Hasidim (Hebrew: **חסידים**)
15. Chabad-Lubavitch
16. Chochmah (חכמה)
17. Binah (בִּינָה)
18. Da'at (דַּאֲת)

معتقد به تورات اند، و حتی اگر ما دلیل داشته باشیم که هدف آنها قابل تحقق است، باز ما مجاز نیستیم به آنها بیبوندیم...»<sup>۱۹</sup>

در سال‌های اخیر، سران فرقه شاباد به همکاری با دولت روسیه و پوتین تمایل نشان داده‌اند و این امر نگرانی‌هایی را در سران صهیونیسم و اسرائیل برانگیخته است.<sup>۲۰</sup>

سیاست دولت پوتین، همانند روسیه تزاری که کلیمیان قرائی را در مقابل یهودیت خاخامی تقویت می‌کرد، تقویت شاباد در مقابل یهودیان صهیونیست است. در راستای این سیاست، پوتین در سال ۲۰۰۳ به مندل بیوزنر، خاخام فرقه شاباد، مدال طلا اعطا کرد.<sup>۲۱</sup> و در سال ۲۰۰۵ مانع ورود خاخام بزرگ یهودیان روسیه، پیناس گلداسمیت، به روسیه، در پی سفر او به اسرائیل، شد و به جای او برل لازار، خاخام فرقه شاباد، را در مقام خاخام بزرگ روسیه جای داد. رسانه‌های صهیونیستی این اقدام پوتین را «استالینیستی» خواندند.<sup>۲۲</sup>

September 27, 2005

## → Putin Bars Non-Chabad Chief Rabbi From Russia

Moscow's Chief Rabbi – an opponent of Chabad, Putin's **pro-Stalin, anti-democracy** movement, and Chabad's self-appointed 'chief rabbi' of Russia Berel Lazar – was barred from returning to Russia after a trip to Israel by Russian border guards. The AP and Ha'aretz [report](#):

The chief rabbi of Moscow's main synagogue said Russian border guards had denied him entry to the country on Tuesday when he returned from a trip to Israel.

Rabbi Pinkhas Goldschmidt, speaking on Ekho Mosky radio, urged the authorities to review his case and let him return to Russia.

He said the border guards told him that his Russian visa had been annulled, but gave no further explanation. He flew back to Israel after being denied entry.

Goldschmidt, chief rabbi at the Moscow Choral Synagogue, said he hoped the incident was a misunderstanding.

Adolf Shayevich, Russia's chief rabbi, said that his Congress of Jewish Religious Organizations and Associations asked the Foreign Ministry for an explanation of what happened to Goldschmidt but had not yet received an answer.

"It was unexpected for all of us, since he never has had any problems," Shayevich told Ekho Mosky.

19. [http://failedmessiah.typepad.com/failed\\_messiahcom/2006/12/chabads\\_antizio.html](http://failedmessiah.typepad.com/failed_messiahcom/2006/12/chabads_antizio.html)

۲۰. بنگرید به مقاله «شاباد (لوباوویچ)، پوتین، الیگارک‌های روسیه» در وبلاگ یواخیم مارتیلو، ۱۱ اکتبر ۲۰۰۸.

<http://eaazi.blogspot.com/2008/10/chabad-lubavitch-putin-russian.html>

21. <http://lubavitch.com/news/article/2014825/President-Putin-Awards-Chabad-Rabbi-Gold-Medal.html>

۲۲. بنگرید به بیوگرافی خاخام برل لازار در «ویکی‌پدیا»:

[http://en.wikipedia.org/wiki/Berel\\_Lazar](http://en.wikipedia.org/wiki/Berel_Lazar)

و مقاله زیر درباره ممانعت پوتین از بازگشت خاخام بزرگ یهودیان روسیه:

[http://failedmessiah.typepad.com/failed\\_messiahcom/2005/09/putin\\_barrs\\_non.html](http://failedmessiah.typepad.com/failed_messiahcom/2005/09/putin_barrs_non.html)



ملاقات برل لازار، خاخام بزرگ فرقه شاباد در روسیه، با ولادیمیر پوتین

۷- تهاجم به کنیسه کوچک کلیمیان شاباد در «ساختمان نریمان» بمبئی، به گروگان گرفتن خاخام ۲۹ ساله شاباد و همسر و کودکانش و قتل فجیع این زن و شوهر، و سپس مظلوم‌نمایی مقامات اسرائیلی و یهودیان صهیونیست، مرا به یاد کشتار قرائیون ساکن بیت‌المقدس در زمان جنگ‌های صلیبی به دست صلیبی‌ها می‌اندازد؛ همان «تمپلارها» که صهیونیست‌ها امروزه در فیلم‌های هالیوود یادشان را زنده نگه می‌دارند و رهبر فاسدشان، ژاک دموله، در فراماسونری مورد تکریم و «قدیس» است. در نیمه دوم سده یازدهم میلادی، یک واحد از شهسواران صلیبی، به فرماندهی گادفری بویلونی، به تحریک یهودیان خاخامی، رهبران دینی و پیروان فرقه قرائی را در کنیسه‌شان محبوس کردند و ساختمان و زندانیان را یک‌جا به آتش کشیدند. در تاریخنگاری رسمی یهود، این مظلومیت به نام «یهودیان» ثبت شده و هیچگاه گفته نمی‌شود شوالیه‌های صلیبی شریک با سوداگران یهودی به تحریک چه کسانی این فاجعه را مرتکب شدند.

شیراز

شنبه، ۹ آذر ۱۳۸۷ / ۲۹ نوامبر ۲۰۰۸، ساعت ۴:۳۰ صبح

ویرایش و تدوین به صورت فایل PDF:

چهارشنبه، ۱۳ آذر / ۳ دسامبر، ساعت ۲ بعد از ظهر

#### توضیحات:

**قرائیون Karaites:** در سده دوم هجری / هشتم میلادی حاکمیت مقتدرانه الیگارشلی خاخامی اعتراض یهودیان تهیدست را برانگیخت و جنبشی نیرومند را بر ضد ایشان پدید آورد. رهبری این جنبش با عنان بن داوود بود. عنان در حوالی سال‌های ۱۳۵-۱۵۹ق. / ۷۵۴-۷۷۵ م.، مقارن با خلافت منصور عباسی، می‌زیست و ساکن بغداد بود. پیروان او در آغاز به "عنایتیه" شهرت داشتند و سپس "قرائیون" نام گرفتند. یهودیان به آنان "بنی مخرا" یا "بیله مخرا" (طایفه مخرا) می‌گفتند. "مخرا" به معنی "کتاب مقدس" است. علت آن است که ایشان تنها منبع شناخت و سلوک دینی را متون اصیل و اولیه دینی می‌دانستند و منکر سنن شفاهی بودند که خاخامیم یهودی در سده‌های اخیر رواج داده بود. طبق مندرجات منابع قرائی، خاخام‌ها ابتدا کوشیدند تا عنان را با خود همراه کنند ولی موفق نشدند. سپس، عنان به دستور منصور

(قاعداً با دسیسه سران یهودی) زندانی شد. ابوحنیفه او را راهنمایی کرد که در برابر خلیفه از تشابه عقاید خود با اسلام سخن گوید و بدینسان بخشوده شد. عنان برخی نظریات خود را از اسلام گرفت و از ابوحنیفه متأثر بود. او به ویژه مخالفتی شدید با نظام بسته اجتماعی یهودی و منع رابطه با غیر یهودیان ابراز می‌داشت. در نیمه دوم سده نهم میلادی، مکتب عنان به وسیله بنیامین بن موسی نهادندی به صورت یک فرقه متنفذ درآمد. نقش او در این فرقه تا بدانجاست که در منابع عربی از آن به عنوان "اصحاب عنان و بنیامین" یاد می‌شود. در سده‌های هشتم تا یازدهم میلادی، کانون تکاپوی قرائیون در شبه جزیره عربستان بود و از آن پس در میان یهودیان آسیای صغیر نیز گسترش یافت. قرائیون تا زمان پیدایش جنبش اروپایی هاسکالا در سده نوزدهم میلادی جدی‌ترین تهدید برای الیگارش‌های حاخامی در میان یهودیان به شمار می‌رفتند. *دیره/المعارف* یهود عمده‌ترین علت پیدایش جنبش قرائی را «ظهور و گسترش اسلام و تبدیل آن به یک دین جهانی و وخامت وضع اجتماعی و اقتصادی طبقات تهیدست یهودی» ذکر کرده است. از سده چهارم هجری / دهم میلادی، گروهی از متفکرین و ادبای برجسته عربی‌نویس در میان قرائیون پدید شدند و این فرقه به نیروی مقتدر در میان یهودیان بدل شد که بطور جدی یهودیت حاخامی را به معارضه می‌طلبید. در این زمان، کانون اصلی قرائیون در ایران، بین‌النهرین، فلسطین، مصر و شمال آفریقا بود. از این زمان است که حاخام‌های یهودی نگارش رساله علیه عنان و فرقه قرائی را آغاز کردند. جالب است بدانیم که هم نوشته‌های قرائیون به زبان عربی است و هم رساله‌هایی که حاخام‌ها علیه آنها می‌نگاشتند. در زمان تهاجم الیگارش‌های صلیبی اروپا به فلسطین (نیمه دوم سده یازدهم میلادی)، شوالیه‌های صلیبی کانون قرائیون در بیت‌المقدس را به طرزی فجیع که گفته شد، منهدم کردند. این ضربه سختی بر پیکر قرائیون بود. از زمان حادثه فوق تا سده پانزدهم میلادی مصر به پناهگاه اصلی قرائیون بدل شد. در سده‌های چهاردهم تا شانزدهم بخشی از قرائیون در آسیای صغیر مستقر بودند. در سده‌های هفدهم و هیجدهم کانون اصلی قرائیون به کریمه و لیتوانی انتقال یافت. در اواخر سده هیجدهم این سرزمین به امپراتوری تزاری روسیه منضم شد. در آغاز، حکمرانان روسیه تمایزی میان قرائیون و یهودیان حاخامی قایل نبودند و با هر دو به یکسان سلوک می‌کردند. از زمان کاترین دوم، تمایز قرائیون و یهودیان کشف شد؛ قرائیون مورد توجه قرار گرفتند و به ایشان امتیازات ویژه اعطا شد. در زمان نیکولای اول، رهبران قرائی به نزد مقامات تزاری رفتند و اعلام کردند که برخلاف یهودیان حاخامی مردمی صنعتگر و درستکار و از نظر سیاسی اتباعی وفادارند. این تمایز مورد توجه بیشتر دولتمردان روس قرار گرفت و در سال ۱۸۶۳ به قرائیون حقوق کامل شهروندی روسیه اعطا شد. در سال ۱۹۳۲ تعداد قرائیون روسیه ده هزار نفر گزارش شده که بطور عمده در کریمه می‌زیستند. در این زمان حدود دو هزار نفر قرائی نیز در خارج از روسیه بودند: لهستان، استانبول، فلسطین، قاهره و عراق. در ژانویه ۱۹۳۹ دولت آلمان اعلام کرد که قرائیون "یهودی" به شمار نمی‌روند. بدینسان، آنان از تهاجم آلمان آسیب ندیدند و در دوران جنگ دوم جهانی با مقامات آلمانی رابطه حسنه داشتند. در سال ۱۹۷۰ تعداد قرائیون ساکن اسرائیل هفت هزار نفر گزارش شده که بطور عمده در رمله سکونت دارند.

**شهبوران معبد:** طریقت شهبوران معبد در آغاز نام دسته‌ای از شوالیه‌های فرانسوی بود که پس از اشغال بیت‌المقدس به دست صلیبی‌ها به سال ۱۱۱۸ میلادی در این شهر ایجاد شد. بتدریج این دسته توسعه یافت و به صورت یک سازمان مزدور نظامی درآمد که خدمات خویش را به حکمرانان صلیبی عرضه می‌کرد. توانمندی نظامی آنان چنان مورد توجه قرار گرفت که مأموریت انتقال شمش‌های طلا و اموال تاراج شده از شرق به پاریس و لندن به ایشان سپرده شد. با پایان جنگ صلیبی، در سال ۱۲۹۱ اعضای گروه فوق به اروپا بازگشتند. آنان که سال‌ها به کشتار و راهزنی خو گرفته بودند، طبعاً در محیط جدید آرام نداشتند؛ لذا سازمان خود را حفظ کردند، برای خویش رئیسی به نام «استاد اعظم» برگزیدند و به شکلی پنهان به عملیات خود ادامه دادند. تکاپوی این گروه مخمل امنیت فرانسه بود. در نتیجه، به سال ۱۳۰۴، فیلیپ چهارم پادشاه فرانسه، دستور دستگیری آنها را صادر کرد. بسیاری‌شان به جرم عملیات غیراخلاقی و آشوبگری و جنایت زندانی و در دادگاه‌های فرانسه و پاپ محاکمه شدند. در سال ۱۳۱۲، پاپ دسته فوق را منحل اعلام کرد و فیلیپ تعدادی از سرکردگان "طریقت" را، از جمله ژاک دموله آخرین "استاد اعظم" آن که به یک خاندان اشرافی تعلق داشت، در ملاء عام اعدام نمود. بقایای شهبوران معبد به پرتغال گریختند و فرقه جدیدی به نام «شهبوران مسیح» تشکیل دادند. این فرقه در تهاجم استعمار پرتغال به شمال آفریقا و سپس به شرق و تأسیس امپراتوری استعماری پرتغال نقش اصلی داشت. پرچم این فرقه همان پرچم شهبوران معبد بود. (صلیب سرخ بر پارچه سفید که امروزه نماد سازمان صلیب سرخ است). امروزه، طریقت شهبوران معبد از شاخه‌های مهم ماسونی و دارای آداب ویژه خویش است؛ برای نمونه استاد اعظم "فرمانده اعظم" نام دارد. در تمامی طریقت‌های ماسونی یاد و نام ژاک دموله بسیار گرامی است و فیلیپ چهارم سخت منفور.